

چالش های آموزش عالی در توسعهی دانشگاه کارآفرین

کریم کیاکجوری : عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی و مدرس مرکز کارآفرینی دانشگاه مازندران.
فروغ رودگر نژاد : عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی و دانشجوی دوره دکترای مدیریت دولتی .

چکیده :

در دنیای امروز بدلیل وجود عواملی همچون رشد فزاینده رقابت در سطح ملی و بین المللی، تغییرات سریع محیطی و تکنولوژیکی، لزوم توجه به افزایش نوآوری و خلاقیت، اثربخشی، بهره‌وری و ایجاد کسب و کارهای جدید باعث گردیده است که دولتها بگونه‌ای اثربخش به موضوع کارآفرینی بپردازند. در این رابطه، آموزش عالی کشور، در بسط و گسترش مفاهیم کارآفرینی از طریق ایجاد دانشگاه کارآفرین، نقش حساس و مهمی بر عهده دارد. بنابراین وجود و استقرار دانشگاه کارآفرین برای حل مسائل و بهبود روند توسعهی کشور، امری ضروری محسوب می‌گردد. در مقاله‌ی حاضر، با هدف شناخت مقدماتی از کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین و نیز برخی موضوعات مهم مرتبط با آنها، بیان مختصری از تعاریف، اهمیت و ضرورت و نقش دانشگاه کارآفرین در توسعه مطرح می‌گردد و همچنین با ارائه مدلی مفهومی از موانع اجرای دانشگاه کارآفرین در کشور، به بررسی چالشهایی که آموزش عالی در استقرار و توسعه آن مواجه است، می‌پردازد و در پایان مقاله نیز، موارد مذکور جمع‌بندی شده و در قالب بحث و نتیجه‌گیری، کاربردهای مدیریتی و پیشنهادات مرتبط با آن، جهت پیگیری تحقیقات مشابه در آینده ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: مدل - آموزش عالی - کارآفرینی - دانشگاه کارآفرین.

۱- مقدمه

دانشگاه نهادی اجتماعی با قدمتی حدود هشتصد سال می‌باشد. این نهاد در مراحل اولیه خود برای مدت طولانی فقط به فعالیت های آموزشی می پرداخت. بر اساس پویایی درونی دانشگاه و اثرات بیرونی بر ساختارهای دانشگاهی و علمی، دو انقلاب علمی به وقوع پیوسته است. اولین انقلاب و تحول علمی در اواخر قرن نوزدهم اتفاق افتاد که طی آن دانشگاه ها علاوه بر ماموریت آموزشی و تدریس، ماموریت پژوهشی را نیز به عهده گرفتند. تا قبل از انقلاب علمی اول، ماموریت اصلی دانشگاه، محدود به فعالیت آموزشی و تدریس بود. در انقلاب اول ماموریت پژوهشی نیز به ماموریت اول افزوده شد. وقوع انقلاب آکادمیک یا علمی اول در دانشگاههای آلمان رخ داده است. انقلاب علمی دوم بر اساس متکی شدن نوآوریها بر دانش علمی، اواخر قرن بیستم اتفاق افتاده که طی آن دانشگاه علاوه بر ماموریت آموزشی و پژوهشی، عهده دار ماموریت سوم شد و آن نوآوری فناورانه بود. امروزه دانشگاههایی که دارای ماموریت سوم باشند، دانشگاههای کارآفرین نامیده می‌شوند (سلجوقی، ۱۳۸۵، ۵۴).

به طور تقریب از اوایل دهه ۱۹۹۰ دانشگاههای کارآفرین به رهبری دانشگاه استنفورد و موسسه فناوری ماساچوست آمریکا فعال شد. در حال حاضر دانشگاه ماساچوست حدود چهار هزار بنگاه در منطقه سیلیکون دارد که در زمینه فناوری علمی و توسعهی محصول و فرایند، فعالیت می‌کنند (Duncan et al, 1988).

در شرایط فعلی دانشگاه کارآفرین، یکی از مهمترین عوامل رسیدن به توسعه محسوب می‌شود به گونه ای که، توسعهی جوامع مختلف به میزان بسیار زیادی به حضور و کارکرد این دانشگاهها بستگی دارد. دانشگاه کارآفرین کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده است که با برخورداری از ایده ها و اندیشه های نو، می‌تواند هر لحظه در شریان های حیاتی جامعه که حرکت روبه رشدی دارد نیروی نوینی را تزریق نماید. و جامعه نیز با بکار بستن ایده های نوظهور دانشگاهیان، می‌تواند اندیشه توسعه را محقق سازد. (Gander, 1987) (شفیعی، ۱۳۸۴).

بنابراین، هر قدر یک کشور از بنیه‌ی علمی و اقتصادی قویتری برخوردار باشد و بتواند هزینه‌های تحقیقاتی را که در سالهای دیگر به تولید خواهد انجامید را امروز تقبل کند، در عرصه‌ی جهانی، حضور چشمگیرتری خواهد داشت. در دنیای امروز بدلیل وجود عواملی همچون رشد فزاینده رقابت در سطح ملی و بین‌المللی و تغییرات سریع محیطی و تکنولوژیکی، وجود دانشگاه کارآفرین ضروری می‌باشد تا بتواند کارایی و اثربخشی و بالطبع منافع و منابع خود را افزایش دهد. (Barnes et al, 2002). بسیاری از مسایل و چالشها از قبیل امنیت، اشتغال، بهداشت و درمان، فرهنگ‌سازی، تحقیق و توسعه و غیره در جامعه وجود دارند که نیازمند اندیشه‌های نو و بدیع می‌باشد (Coward et al, 1994)(Crandall et al, 1990)(Shortell et al, 1996). و جهت حل مسایل و مدیریت بر چالشهای بزرگ و چندبعدی موجود در جوامع، دولت‌ها و رهبران جامعه نیازمند ارائه دیدگاهها و طرحهای جدیدی هستند تا بتوانند منشاء خدمات بهتری در جامعه باشند.

با توجه به مواردی که قبلاً در بالا به آنها اشاره شده است در مقاله‌ی حاضر سعی خواهد شد تا مستند به مرور ادبیات موضوعی مربوط به دانشگاه کارآفرین و چالشهای آموزش عالی در توسعه آن، مورد بررسی قرارگیرد تا بتواند بعنوان مبنایی برای مطالعات بیشتر مربوط به موضوع در دنیای واقعی باشد. در پایان، ضمن جمع‌بندی، نتایج، کاربردهای مدیریتی و جهات تحقیقاتی آینده مربوط به موضوع بمنظور ادامه و پیگیری کار توسط دیگر محققان علاقمند ارائه خواهند شد.

۲- تعاریف و مباحث تئوریک

همانند موضوعاتی نظیر روش‌شناسی تحقیق (ظهوری، ۱۳۷۸، ۲۷)، بعلت نسبی بودن اصول، قوانین، قضایا و تئوریهای مکشوفه در علوم انسانی، منابع مطالعاتی و تحقیقی مختلف، شیوه‌ها، نظرات و دیدگاههای متفاوتی را در مورد تعریف یک پدیده اجتماعی و انسانی عنوان می‌کنند بگونه‌ای که تشتت آراء در مباحث علوم انسانی بحدی است که نمی‌توان در مورد پدیده خاصی، نظری واحد و قطعی را ارائه کرد. وجود تعاریف و تعبیر مختلف و متنوع از کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین، از سویی بیانگر گستردگی و اهمیت موضوع بوده که می‌تواند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد و از سویی دیگر نشان دهنده پویایی موضوع است که می‌تواند زمینه ارائه مدلها، تئوری‌ها و نظرات متفاوتی را فراهم آورد. مستند به گفته فوق‌الذکر، ذیلاً به ذکر چند مورد از تعاریف مختلف ارائه شده در مورد کارآفرینی، دانشگاه کارآفرین پرداخته می‌شود:

۲-۱- کارآفرینی

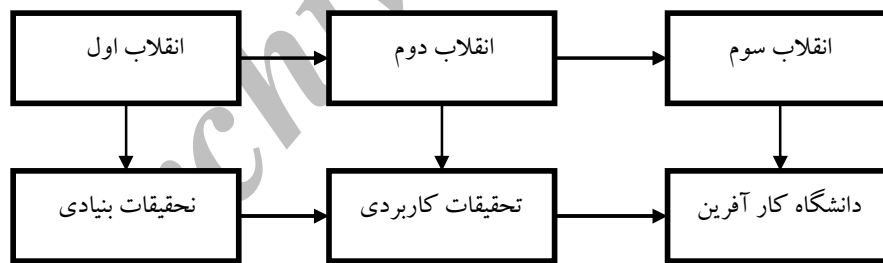
واژه کارآفرینی^۱ از ریشه فرانسوی (Entreprenre) به معنی متعهدشدن و نیز اصطلاحاً به معنی واسطه یا دلال نشأت گرفته، و مفهومی است که تاکنون از دیدگاههای مختلف و متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. بمانند سایر بحثها در علوم انسانی، از کارآفرینی نیز تعاریف مختلف و متعددی شده است (احمدپور، ۱۳۸۱، ۳). ذیلاً به ذکر چند مورد از تعاریف مختلف ارائه شده در مورد کارآفرینی پرداخته می‌شود: در واژه نامه دانشگاهی ویستر، کارآفرین فردی است که متعهد می‌شود ریسک‌های یک فعالیت اقتصادی را قبول کرده و آن را مدیریت نماید (Webster, 1966). شومپیتر^۲ معتقد است که کارآفرینی موتور محرک اصلی در توسعه‌ی اقتصادی است (Palmer, 1987, 48). کارآفرینی یعنی شناسایی و بهره‌برداری از افکار فرصت‌طلبانه برای ایجاد و توسعه‌ی شرکتهای کوچک (Brockhaus & Horwitz, 1986, 45). کارآفرینی یک فرایند مدیریتی است که این امکان را به فرد می‌دهد که به طور مستمر حداکثر استفاده از فرصتهای موجود را بعمل آورده و ایده جدیدی ارائه دهد و آنرا بکار گیرد (کیاکجوری و رودگرنژاد، ۱۳۸۵) (Thompson, 1999). کارآفرینی فرایند کسب سود از طریق ترکیب جدید، منحصر بفرد و ارزشمند منابع، در محیطی همراه با ابهام و عدم قطعیت است. کارآفرینی به معنای آغاز یا رشد یک شرکت نوپا از طریق مدیریت نوآورانه و ریسک‌پذیر است (احمدپور، ۱۳۸۱، ۲۵). کارآفرینی فرآیندی است که در آن کارآفرین، فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند (Drucker, 1985). کارآفرینی فرآیندی

است که بدون توجه به منابعی که در اختیار است، فرصتها بوسیله افراد تعقیب می شود (Hurley, 1999, 2). در مجموع اینکه کارآفرینی عبارتست از: فرآیند نوآوری و بهره‌گیری از فرصتها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش ریسکهای مالی، روانی و اجتماعی، که البته با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت می‌پذیرد (Histrich, 2002).

۲-۲- دانشگاه کارآفرین

دانشگاه مؤسسه ای است که با هدف ترویج دانش و تربیت نیروی انسانی در زمینه های مختلف علوم و فنون به ارایه آموزش عالی و انجام تحقیقات در سطح عالی اشتغال دارد و با زبان گسترش مرزهای دانش، سخن می گوید. معمولاً سه وظیفه عمده بر عهده دانشگاهها است که عبارتند از: آموزش نیروی انسانی، تحقیق و توسعه، ارائه خدمات به بخش گسترده تری از جامعه در بکارگیری فناوری در صنعت. نقش آموزشی دانشگاهها در فرآیند توسعه، بر تربیت نیروی انسانی که کلید راهگشای توسعه محسوب می شود، استوار است و نقش تحقیقاتی آن شرط لازم برای موفقیت توسعه می باشد (Dosi, 1984).

در این قسمت، لازم است به سیر تحول پژوهش و تولد دانشگاه کارآفرین^۳ اشاره شود. از زمان تأسیس دانشگاه های سنتی که در آن ها آموزش بیشترین اهمیت را به خود اختصاص می داد، دیر زمانی است که می گذرد. گرایش به پیشبرد علم، این دانشگاه های سنتی را به دانشگاه های نسل اول بدل ساخت که در آن تحقیقات بنیادی، مقام نخست را حائز کرده بود. با گذشت زمان و نیاز صنعت به پژوهش های خاصی که در راستای برآورده ساختن اهداف توسعه‌ی صنعتی بود، دانشگاه های نسل دوم پدید آمدند. در این دانشگاه ها پژوهش های کاربردی جایگاه برتر را اشغال می کرد و صاحبان صنایع در راستای اهداف اقتصادی و در قالب واحد های تحقیق و توسعه اقدام به تاسیس موسسه های علمی و تحقیقاتی کردند. پس از چندی با توجه به سرعت سرسام آور علم، به ویژه در عرصه ی فن آوری های پیشرفته، ارتباط پیچیده صنعت و دانشگاه و لزوم پدیده نو آوری فناورانه به عنوان مهمترین شاخص بهروری شناخته شدند. به شکل زیر توجه کنید:



شکل شماره ۱

نسل سوم دانشگاه، نظام ارتباطات صنعت و دانشگاه، انجمن های حرفه ای مراکز تحقیقاتی مستقل، شرکتهای خدمات تخصصی و زیر سیستم های پشتیبان، در یک اقتصاد دانش بنیان است. در بخش سوم یعنی انقلاب سوم، نقش دانشگاه ها در ارتقاء تکنولوژیک در سطح جامعه و صنعت حائز اهمیت است (Lundvall, 2002) (Etkowitz, 1997).

در تحلیل نظریه دانشگاه کارآفرین، کریستنسن پژوهش و مطالعه گسترده ای را انجام داده است. وی با تاکید بر ابعاد سازمان و ویژگی های ساختاری دانشگاه، کارآفرینی دانشگاه رادر نزدیک تر شدن دانشگاه به یک سازمان یادگیرنده معرفی کرده است. او با طرح این استدلال که دانشگاه کارآفرین سازمانی است که یاد گرفتن و یاد دادن دغدغه همیشگی آن بوده است، دانشگاه را نزدیک ترین سازمان به سازمان یادگیرنده به شمار می آورد (Houce, 1982).

در مورد ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین برخی از اندیشمندان به شرح ذیل مطالبی را ارائه کرده اند: تراچ تنبرگ می گوید: (۱) در دانشگاه کارآفرین دانشجویان به عنوان مشتری به شمار می آیند. (۲) در دانشگاه کارآفرین تشویق های سنتی کاهش، اما موقعیت و جایگاه دانشگاه ارتقا می یابد. (۳) در دانشگاه کارآفرین اعضای هیات علمی و مدیران بطور روزافزون به یکدیگر نزدیک می شوند. (۴) دانشگاه کارآفرین ناگزیر از ایجاد و کسب درآمد است (کیاکجوری و رودگرنژاد، ۱۳۸۶) (Kasarda, 1992, p. 5).

۳- بیان مسئله و هدف از نگارش تحقیق

امروزه مفهوم توسعه، یکی از مهم ترین و بحث انگیزترین مسائل و چالش ها در میان کشورهای جهان و بخصوص کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) مانند ایران می باشد. به گونه ای که کارشناسان و دانشمندان رشته های مختلف علمی نظیر اقتصاددانان، سیاستمداران، جامعه شناسان، مدیران و غیره، دیدگاه های مختلف و متفاوتی در مورد ماهیت و علل توسعه نیافتگی و راه های غلبه بر آن ارائه می دهند (طاهری، ۱۳۷۸، ۱۱). از سوی دیگر، دانشگاه کارآفرین به عنوان مرکز تولید علم و دانش و تکنولوژی و به عنوان به کار گیرنده تکنولوژی و محل کاربردی نمودن علم و دانش می تواند نقش به سزایی در پیشرفت و توسعه کشور در عرصه های جهانی داشته باشد. دانشگاه کارآفرین از عوامل بسیار مهم در شکوفائی جامعه می باشد، به نحوی که با شاغل نمودن فارغ التحصیلان دانشگاه، علاوه بر استفاده از دانش آنها در شکوفائی خود، خروجی دانشگاه را بکار بسته و مانع از بیکار و بی ارزش شدن آنها می گردد. در کشور ما هم تا حدی بحث دانشگاه کارآفرین مطرح و دروسی برای آن در نظر گرفته شده است، ولی این کار به معنای واقعی دانشگاه کارآفرین قلمداد نمی شود. برنامه های پنج ساله و چشم انداز ۲۰ ساله توسعه کشور به نیروی انسانی ماهر نیاز دارد و این نیروها را دانشگاهها تربیت می کنند. در نتیجه ضروری است توجه بیشتری به مقوله دانشگاه کارآفرین گردد.

۴- نقش دانشگاه کارآفرین در توسعه

هر چند اولین مباحث مطرح شده در مورد پیشرفت و توسعه یک جامعه، تکیه بر مزیت های نسبی و صرفه های اقتصادی ناشی از عملکرد جمعی است، اما در اواخر قرن بیستم بسیاری از محققان دانشگاهی و صاحبان صنایع به باور مشترکی رسیده بودند و آن توانایی رقابت در عرصه های بین المللی و باقی ماندن در دهکده جهانی بود. (Dosi, 1984).

البته نکته قابل تأمل این است که دانشگاه کارآفرین انتقال بین المللی تکنولوژی و فن آوری و دانش را نیز تسریع و تسهیل می کند در واقع انتقال بین المللی تکنولوژی به دلیل احتراز از دوباره کاری های تحقیقاتی به عنوان یک رهیافت موثر برای جایگزینی تولید دانش مورد نظر در سطح ملی کشورها مورد توجه قرار می گیرد (Dalton, et al, 1999). دانشگاهها به عنوان یکی از نهادهای پیشرو در جامعه نمیتوانند صرفاً در شمایل موسسات آکادمیکی ظاهر شوند. در عوض از آنها انتظار میرود که نقش مهمی را در فرایند توسعه عهده دار شوند و این مهم تجلی نمی یابد مگر در کارآفرین کردن دانشگاهها. دانشگاه کارآفرین شکاف بین تحقیق و توسعه را پر میکند و با ارایه منابع لازم به جامعه جهت توسعه و نیز با ایجاد هم افزایی، ترویج یاد گیری و تغییر سریع، رقابت در عرصه بین المللی را افزایش میدهد (کیاکجوری و رودگرنژاد، ۱۳۸۶) (Hoffmann, et al, 2001).

دانشگاه کارآفرین از دو جنبه تاثیرگذار است: نخست از جنبه ای درونی، تحول و تکاملی که برای ایجاد فضای کارآفرینی در دانشگاه، بوجود می آید و دوم از جنبه ای بیرونی و تأثیری که محیط خارجی بر دانشگاه دارد تا نظام نوآوری در آن تحقق یابد. در دانشگاه کارآفرین، فعالیت های کارآفرینانه با هدف ارتقای عملکرد ملی و منطقه ای و نیز کسب مزیت های مالی برای دانشگاه و هیأت علمی آن صورت می گیرد (Souder & Nassar, 1990). برخی منتقدان به دلیل ترس از نابودی نقش دانشگاه به عنوان پیشتاز علمی - انتقادی جامعه بر این باورند که باید با پدیده کارآفرینی مقابله کرد یا دست کم آن را در عرصه های مشخصی محدود کرد. برخی شرکت های موجود نیز از ظهور پدیده شرکت های کارآفرینی که در آغوش مراکز رشد دانشگاهی پرورش یافته اند، می هراسند و آنها را همچون

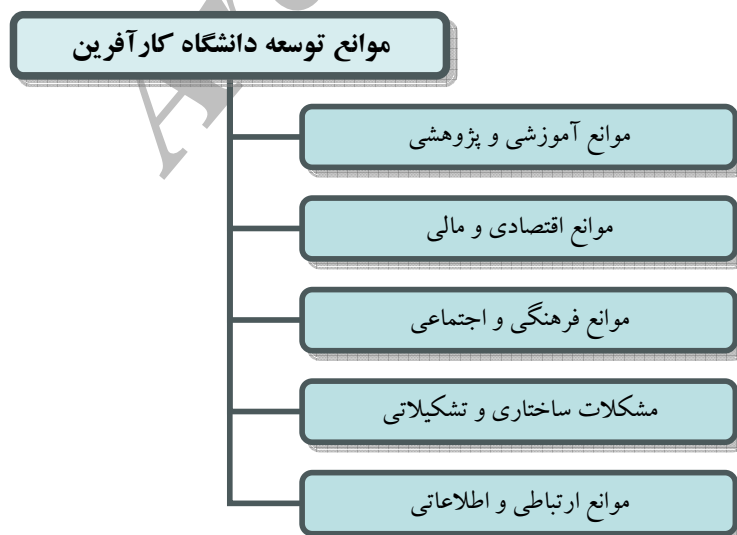
رقبایی توانمند در مقابل خود می دانند. باید توجه داشت با وجود اینکه، که دانشگاه کارآفرین قرار است نقش فعالی در عرصه توسعه اقتصادی بازی کند ولی به معنای از بین رفتن نقشهای قدیمی تر دانشگاه نیست. بلکه این نقش ها فقط به شیوه نوینی به انجام خواهد رسید. افزون بر انتقال نتایج پژوهش به جامعه، دانشگاه کارآفرین می کوشد به شرکت های با فناوری کم و متوسط کمک کند تا سطح علمی و فناوری شان را بالا برند (Pelikan, 1992) (فاتح راد و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۴۹). بنابراین، هر قدر یک کشور از بنیه علمی و اقتصادی قویتری برخوردار باشد و بتواند هزینه های کارآفرینی را که در سالهای دیگر به تولید خواهد انجامید امروز تقبل کند، در عرصه جهانی شدن حضور چشمگیری خواهد داشت. از این رو، توسعه همه جانبه و پایدار عمدتاً به سواد و توسعه فناوری متکی است و توسعه فناوری نیز بر پایه خلاقیت و نوآوری و توسعه علمی و دانایی صورت می گیرد و دست یابی به توسعه علمی نیز از طریق دانشگاه کارآفرین میسر است (کیاکجوری و رودگر نژاد، ۱۳۸۶).

گام اساسی در راه توسعه در یک جامعه دانش مدار، هماهنگی و نیاز سنجی دقیق برای تعیین اولویت ها و کمبودهای مورد نیاز در ساختار جامعه دانش محور است و چنین می نماید که نقاط شروع زیادی در سطح جهانی و میان کشورهای مختلف وجود دارد ولی تک جاده موجود برای رسیدن به توسعه، همانا پدیده دانشگاه کارآفرین است (سلجوقی، ۱۳۸۵، ۵۰).

۵- ارائه مدلی مفهومی از موانع و چالشهای توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران

در کشور ما موضوع کارآفرینی و ایجاد دانشگاه کارآفرین، یک موضوع نسبتاً جدید و مطالعات و بررسی های علمی در خصوص آن محصول سال های اخیر می باشد. از طرف دیگر استقرار دانشگاه کارآفرین و فرهنگ سازی آن در کشور، خود با مسائل و مشکلات خاصی مواجه است.

بدون توجه به بحثهای گوناگونی که معمولاً در مورد تئوری و تئوری پردازی مطرح می شود در مجموع می توان هر گونه نوآوری تئوریک را در چهار گروه بدین شرح در نظر گرفت (Feldman, 2004): بسط یا بهبود تئوریهای موجود، مقایسه دیدگاههای تئوریک مختلف، بررسی پدیده های خاص با استفاده از دیدگاههای تئوریک مختلف و بالاخره اینکه بررسی پدیده های مستند و تکراری (تحقیقی که قبلاً انجام شده است) در محیط و شرایطی جدید. مبتنی بر این دیدگاه، مقاله حاضر در گروه سوم یعنی بررسی پدیده ای خاص با استفاده از دیدگاههای تئوریک مختلف قرار می گیرد. بر این اساس، هدف عملیاتی مقاله حاضر، ارائه مدلی مفهومی جهت بررسی چالش های آموزش عالی در توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران، در پاسخ به این مسئله می باشد که مستند به مرور ادبیات موضوعی مربوط، موانع توسعه و اجرای دانشگاه کارآفرین، در کشور ما چه می باشد؟



نمودار شماره دو - ارائه مدلی مفهومی جهت بررسی موانع توسعه‌ی دانشگاه کارآفرین در ایران.

۶- تشریح مختصر اجزاء مدل ارائه شده

۶-۱- موانع آموزشی و پژوهشی

از موانع دانشگاه کارآفرین در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران وجود زیرساخت غلط و سنتی آموزش و پژوهش است. که این موانع را می توان در موارد زیر دسته بندی نمود:

۶-۱-۱- **تغییر دیدگاه تولید علم**: برای ایجاد دانشگاه کارآفرین، دیدگاه تولید علم باید از نگرش سنتی تغییر کند و پژوهش با هدف حل مسایل و مشکلات جامعه و عرضه محصولات جدید بر مبنای دانش تولید شده در دانشگاهها انجام شود. لذا پژوهشگران باید به فکر رفع نیاز جامعه و سازمانها باشند و ارزیابی پژوهشهای دانشگاهی باید توسط مدیران حرفه ای و کاربران آن انجام شود نه توسط همکاران دانشگاهی.

۶-۱-۲- **تغییر برنامه های آموزشی**: برنامه های آموزشی دانشگاه باید تغییر کند به طوری که در درس تخصصی، یادگیری بر مبنای حل مساله و تحقیق جز و لاینفک روش های تدریس باشد و قابلیت پردازش ایده در دانشجویان تقویت شود. دانشجویان می بایست قابلیت انجام تحقیقات بین رشته ای را کسب کنند. تغییر اساسی دیگر در برنامه های آموزشی دانشگاه باید انجام شود. گنجانیدن چند درس کارآفرینی در برنامه های آموزشی همه رشته ها است که این مورد در کشور ما در حال تحقق می باشد(یداللهی، ۱۳۸۴)(Astebro, 2003).

۶-۲- موانع اقتصادی و مالی

مشکلات مالی در اکثر کشورهای جهان سوم باعث گردیده که دانشگاه محلی برای گرفتن مدرک جهت امرار و معاش تلقی گردد و حتی اساتید، محققان، پژوهشگران بجای دغدغه تولید علم و پژوهش درگیر مشکلات مالی زندگی باشند. همچنین تخصص کم بودجه به امر پژوهش و تحقیق می تواند به نارسایی و مشکلات در این زمینه شدت بخشد.

۶-۳- موانع فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ سازمانی یک از عوامل مهم در رفتار سازمانی است. در فرایند ایجاد تحول در دانشگاه، فرهنگ سازمانی می تواند هم به عنوان مانع و هم تسهیل کننده مطرح باشد. برای جلب مشارکت اعضای دانشگاه و همچنین ایجاد اثربخشی در فعالیت های کارآفرینی دانشگاهی می بایست فرهنگ در اعضای دانشگاه ترویج شود به طوری که هر عضو دانشگاه خودش مروج فرهنگ و نگرش کارآفرینی باشد(یداللهی، ۱۳۸۴). چرا که فرهنگ می تواند عامل مهم سوق دهنده و یا جلوبرنده ابتکارات، خلاقیتها و یادگیری سازمانی باشد. دانشگاه برای کارآفرین شدن باید فرهنگ کارآفرینانه را در خود نهادینه سازد. این امر از طریق شناسایی، حمایت و رشد استعدادهای خلاق، توسعه‌ی فرهنگ کاری در بین اعضای سازمان(اعضای هیات علمی و کارکنان)، ایجاد و تقویت یادگیری سازمانی، ایجاد تحول در ارزشها، باورها و مفروضات اعضا، ایجاد فرهنگ کار گروهی و ارتقاء سطح مشارکت جمعی آنها صورت می پذیرد(کردنائیج، ۱۳۸۴)(The Conference Board, 2000).

۶-۴- موانع ساختاری و تشکیلاتی

ساختار سازمانی باید حامی نوآوری سازمانی و کارآفرینی دانشگاهی باشد، که در کشور ما می توان به طور خلاصه اهم موانع ساختاری و تشکیلاتی را به شرح زیر بیان نمود:

۶-۴-۱- **عدم استقلال در مدیریت دانشگاهها**: استقلال در مدیریت دانشگاهها و دانشکده ها فرایند کارآفرینی دانشگاه را تسریع می کند. از یک سو به منظور پاسخگویی دانشکده ها و از سوی دیگر برای ایجاد زمینه نوآوری در کارآفرینی دانشگاهی، دانشکده ها و موسسات دانشگاهی می بایست با استقلال عمل کنند. همچنین مستقل کردن دانشگاه ها در کلیه تصمیمات داخلی، بخصوص ظرفیت پذیرش دانشجو و حذف و اضافه کردن رشته های علمی با عث

می شود که در تعامل با جامعه، صنعت و دولت بتواند نوع فعالیت و ظرفیت آن را متناسب با نیاز بازار تنظیم نمایند و در فرایند کارآفرینی دانشگاهی با مانع خارجی روبرو نشوند.

۴-۴-۲- نبود ساختار منعطف: یک دانشگاه کارآفرین نیاز دارد تا انعطاف پذیر تر بشود، به ویژه در واکنش های به تقاضاها و نیازهای در حال تغییر محیط. این انعطاف پذیر امکان پذیر نمی شود مگر اینکه ابعاد ساختاری دانشگاه تغییر نماید. دانشگاه با شرایطی مهیا کند که اطلاعات و ارتباطات بصورت شفاف و سریع در سازمان جریان یابد. کنترل در سازمان از کنترل شدید به کنترل کلی تبدیل بشود.

۴-۴-۳- عدم انتخابی کردن روسای دانشگاهها: در صورتی که روسای دانشگاهها توسط اعضای هیات علمی هر دانشگاه انتخاب شوند، در برابر اعضای خود پاسخگو بوده و مشارکت آنان را نیز به همراه خواهند داشت. انتخابی کردن روسای دانشگاه ها، با ترغیب مشارکت، پاسخگویی و مدیریت گرای زمین را برای کارآفرینی دانشگاهی فراهم می کند.

۴-۴-۴- وجود قوانین ومقررات دست و پا گیر: بدین منظور حذف کلیه مقررات و یا کند کننده نوآوری، ایجاد رویه ها و مقررات حامی و غیر متمرکز کردن تصمیم گیری ها در دانشگاه ها لازم است (کردنائیج، ۱۳۸۴) (یداللهی، ۱۳۸۴)

۵-۶- موانع ارتباطی و اطلاعاتی

ارتباطات و اطلاعات را می توان عامل مهم برای یک دانشگاه پویا و کارآفرین قلمداد کرد. دانشگاهها در کشور ما از این منظر بیشتر در موارد زیر با مشکلاتی روبرو هستند:

۵-۶-۱- عدم همکاری مناسب بین دانشگاه، صنعت و دولت: عوامل مختلفی بر اثر بخشی همکاریهای میان دولت، دانشگاه و صنعت تأثیر دارند (Barnes et al, 2002). هدف کلی استفاده از همکاریهای میان دانشگاه و صنعت، جهت دهی مطلوب و مؤثر به برنامه ها و تصمیمات مرتبط با مسائل و چالشهای چند بعدی موجود در اجتماع و ارائه خدمات هر چه بهتر و بیشتر به جامعه است (Armstrong, 1982, 59-68). امروزه در موقعیت فعلی، صنعت کشور دچار عقب ماندگی، بهره وری پائین و در شرایط غیر رقابتی قرار دارد که با توجه به مباحث الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، اتخاذ استراتژی توسعهی صنعتی ضروری می باشد. یقیناً حضور در بازار جهانی یعنی توسعهی صادرات غیر نفتی، تحرک اقتصادی کشور، ایجاد فرصت های شغلی و حل بخشی از بیکاری و تسهیل در ورود نیروهای تحصیل کرده جوان به بخش صنعت می باشد. دانشگاه به عنوان مرکز تولید علم و دانش و تکنولوژی و صنعت به عنوان به کار گیرنده تکنولوژی و محل کاربردی نمودن علم و دانش می تواند نقش بسزایی در پیشرفت و توسعهی کشور در عرصه های جهانی داشته باشد. دانشگاه و صنعت از عوامل بسیار مهم در شکوفائی جامعه می باشند، بنحوی که صنعت با شاغل نمودن فارغ التحصیلان دانشگاه، علاوه بر استفاده از دانش آنها در شکوفائی خود، خروجی دانشگاه را بکار بسته و مانع از بیکار و بی ارزش شدن آنها می گردد. بالطبع، با رشد و شکوفائی دانشگاه و صنعت، جامعه نیز از جنبه های مختلف متحول می گردد. از این رو همکاری دانشگاه با صنعت از یک منظر به تغییرات اساسی در دانشگاهها را می طلبد که کارآفرین کردن دانشگاه می تواند مهم ترین گام در پیشبرد این همکاری محسوب شود (آقاجانی و کیاکجوری، ۱۳۸۵).

۵-۶-۲- نبود فناوری اطلاعات و ارتباطات^۴ مناسب: کشور ما از نظر بعضی ابزارها، امکانات ارتباطی و اطلاع رسانی که لازمه چرخش درست اطلاعات است عقب است لذا برای توسعهی ارتباطی با موانعی روبرو هستیم. محدودیت های که در این زمینه وجود دارد را می توان در دو دسته مورد بررسی قرار داد:

تنگناها در تقاضای ICT که شامل: بی سواد، فقر، تعداد رایانه های شخصی پائین، عدم وجود محیط فارسی اینترنتی، فقدان تجربه اندوزی و غیره را نام برد. و همچنین دسته ای دیگر موانع که عرضه ICT را تنگ می کنند عبارتند از: عدم توجه اقتصادی و فنی برای عرضه فناوری اطلاعات و ارتباطات در برخی مناطق، فقدان انگیزه تولیدکنندگان کالاهای معنوی به علت فقدان قانون و عدم حمایت، و بی رونقی بازار اطلاعات می باشند (دانایی فرد، ۱۳۸۴).

۷- جمع‌بندی

۷-۱- بحث و نتیجه‌گیری

هدف از نگارش مقاله‌ی حاضر پاسخگویی به این سؤال بوده است که چالش‌های آموزش عالی در توسعه‌ی دانشگاه کارآفرین در ایران چه می‌باشد؟ فلسفه طرح چنین سؤال‌ی این بوده است که آموزش عالی و به تبع آن دانشگاه‌ها نقش حساس و خطیری در توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه به عهده دارند. از طرف دیگر بقای دانشگاه‌ها در گرو کارآفرینی دانشگاهی است. بنابراین امروزه دانشگاه کارآفرین برای حل مسائل کشور و بهبود روند توسعه امری ضروری محسوب می‌گردد. مرور ادبیات موضوعی مربوط به تحقیق حاضر نشان داده است که موانع مختلفی بر اجرای دانشگاه کارآفرین در ایران تأثیر دارند. در جمع‌بندی نهایی اینکه این عوامل را می‌توان به پنج گروه و عنصر مرتبط بهم شامل موانع آموزشی و پژوهشی، اقتصادی و مالی، فرهنگی و اجتماعی، ساختاری و تشکیلاتی و نهایتاً مشکلات ارتباطی و اطلاعاتی تقسیم‌بندی کرد که مقاله‌ی حاضر بمنظور پاسخگویی به مسئله طرح شده و در راستای دسترسی به هدف بیان شده، مدلی مفهومی از موانع مؤثر بر اجرای دانشگاه کارآفرین در ایران را در قالب یک ماهیت پارادکسی^۵ که باید مدیریت شوند معرفی، تعریف و تشریح کرده است.

مستند به موارد مطرح شده در متن مقاله و نیز اختصاری که در مورد اهمیت توجه به کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین در بالا آمده است در مقاله‌ی حاضر به منظور پاسخگویی به مسئله طرح شده و در راستای دسترسی به هدف بیان شده، نشان داده شده است که دانشگاه کارآفرین می‌تواند در شکوفایی و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه نقش مهمی ایفا کند. و این امر مستلزم حمایت دولت و استفاده از تجربیات و عملکرد کشور های پیشرفته و بومی کردن آن می‌باشد.

۷-۲- پیشنهادات و کاربردهای مدیریتی

همانگونه که در متن مقاله هم آمده است مرور ادبیات موضوعی مربوط به عنوان تحقیق نشان داده است که دانشگاه کارآفرین به عنوان مرکز تولید علم و دانش و تکنولوژی و به عنوان به کار گیرنده تکنولوژی و محل کاربردی نمودن علم و دانش می‌تواند نقش به‌سزایی در پیشرفت و توسعه‌ی کشور در عرصه‌های جهانی داشته باشد. بر این اساس مطالب ارائه شده در مقاله‌ی حاضر می‌تواند به عنوان یک نقطه شروعی برای مطالعات و تحقیقات مرتبط با دانشگاه کارآفرین و توسعه آن باشد. که انشاءالله مورد استفاده محققان و کارشناسان دیگر و حمایت مدیران و دست‌اندرکاران کشورمان قرار خواهد گرفت. بنابراین موارد ذیل بعنوان پیشنهاداتی چند در راستای توجه و اهمیت دادن هر چه بیشتر به موضوع کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین ارائه می‌گردند:

۷-۲-۱- توجه به آموزش، پژوهش و ترویج فرهنگ کارآفرینی و موضوعات مرتبط با عنایت به شرایط و موقعیتهای بومی در تمام سطوح سنی و تحصیلی.

۷-۲-۲- الگوبرداری از عملکردهای دانشگاههای کارآفرین کشورهای موفق و بومی‌سازی آنها از طریق انجام مطالعات تطبیقی.

۷-۲-۳- فراهم نمودن حمایت‌های لازم مدیریتی مرتبط با توسعه‌ی سطوح فعالیت‌های کارآفرینانه نظیر حمایت‌های مالی، کاهش مقررات، آسان‌سازی ایجاد کسب‌وکارها و غیره.

۷-۳- برای تحقیقات آینده

مستند به بیان مسئله و نیز تحلیل‌های ارائه شده در متن مقاله، موارد زیر بعنوان پیشنهاداتی بمنظور انجام تحقیقات آتی در ارتباط با موضوع مقاله‌ی حاضر می‌تواند ارائه گردد:

۷-۳-۱- اجرای تحقیق میدانی درباره نقش دانشگاه کارآفرین در توسعه‌ی کشور، و تبیین اهمیت آن در راستای توسعه‌ی منطقه‌ای.

۷-۳-۲- اجرای تحقیق میدانی در خصوص موانع اجرای دانشگاه کارآفرین با توجه به دیگر مدل‌های ارائه شده در این زمینه.
۷-۳-۳- انجام مطالعات تطبیقی و استفاده از تحقیقات در کشورهای مختلف در مورد توسعه‌ی دانشگاه کارآفرین.

۸- پانویسها

1. Entrepreneurship.
2. Schumpeter.
3. The Entrepreneurial University.
4. Information & Communication Technology
5. Paradoxical.

۹- منابع و مأخذ

- ◀ آقاجانی، حسنعلی و کیاکجوری، کریم، (۱۳۸۵)، *ارائه الگویی مفهومی از عوامل مؤثر بر اثربخشی همکاری‌های بین‌سازمانی میان دولت، دانشگاه و صنعت*، مجموعه مقالات ”سومین کنگره بین‌المللی همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی“ (همراه با سخنرانی)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ◀ احمد پور، محمود، (۱۳۸۱)، *کارآفرینی*، تهران: انتشارات پردیس.
- ◀ احمد پور، محمود و دیگران، (۱۳۸۳)، *تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ◀ دانایی فرد، حسن، (۱۳۸۴)، *اقتصاد دانش محور، آموزش عالی و اشتغال: تاملی بر نقش دولت و مدیریت دولتی*، مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال نظام آموزش عالی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ◀ زاهدی، شمس السادات و دیگران، (۱۳۷۹)، *فرهنگ جامع مدیریت*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ◀ سلجوقی، خسرو، (۱۳۸۵)، *پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری*، نهمین سمینار منطقه ای همکاری سه جانبه دولت، صنعت، دانشگاه، شهر ری.
- ◀ شفیعی، مسعود، (۱۳۸۴)، *بررسی تطبیقی ارتباط صنعت و دانشگاه در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه*، مجموعه مقالات نهمین کنگره سراسری همکاری سه جانبه دولت، صنعت و دانشگاه برای توسعه ملی.
- ◀ طاهری، شهنام، (۱۳۷۸)، *توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی*، تهران: نشر هستان.
- ◀ ظهوری، قاسم، (۱۳۷۸)، *کاربرد روشهای تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت*، تهران: انتشارات میر.
- ◀ فاتح راد، مهدی و دیگران، (۱۳۸۴)، *دانشگاه کارآفرین، نظام ملی نوآوری و توسعه مبتنی بر دانایی*، نهمین کنگره سراسری همکاری سه جانبه دولت، صنعت، دانشگاه.
- ◀ کردنائیج، اسدالله، (۱۳۸۴)، *دانشگاه کارآفرین و نقش آن در ایجاد اشتغال*، مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال نظام آموزش عالی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ◀ کیاکجوری، کریم و رودگرنژاد، فروغ، (۱۳۸۶)، *دانشگاه کارآفرین و توسعه*، مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اشتغال و نظام آموزش عالی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ◀ کیاکجوری، کریم و رودگرنژاد، فروغ، (۱۳۸۵)، *ارائه الگویی مفهومی از نقش کارآفرینی در توسعه*، مجموعه مقالات ”همایش ملی مدیریت کارآفرینی“، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ یداللهی فارسی، جهانگیر، (۱۳۸۴)، *نقش جدید دانشگاهها: توسعه قابلیت های کارآفرینی*، مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال نظام آموزش عالی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

-
- ▶- Astebro, T., (2003), **Return To Independent Invention**, *The Economic Journal*, p. 230.
 - ▶- Armstrong, R. P., (1982), **Using agency coalitions to integrate services for children**, *Social Work in Education*, (4)(3), pp. 59-68.
 - ▶- Barnes, T. et al, (2002), **Effective university-industry interaction: A multi-case evaluation of collaborative R&D project**, *European Management Journal*, (20)(3), pp. 272-285.
 - ▶- Brockhaus, R. & Horwitz, P., (1986), **The psychology of the entrepreneur**, in D. Sexton & R. Smilor(eds), *The art and science of entrepreneurship*, Cambridge, Mass: Ballinger.
 - ▶- Coward, R. T. et al, (1994), **Health Services for Rural Elders**, New York: Springer.
 - ▶- Crandall, L. A. et al, (1990), **Recruitment and Retention of Rural Physicians: Issues for the 1990s**, *Journal of Rural Health*, (6) p. 1.
 - ▶- Kasarda, J., (1992), **Introduction**, In D. Sexton & J. Kasarda(eds), *The state of the art of entrepreneurship*, Boston: PWS – KENT Publishing Co.
 - ▶- Dalton, D. et al, (1999), **Globalization industrial research and Development**, U.S Department of Commerce, office of technology policy, technology administration.
 - ▶- Dosi, G. (1984), **Technical change and industrial transformation**, New York: St. Martins press.
 - ▶- Drucker, P., (1985), **Innovation and entrepreneurship**, NY: Harper Collins Publisher.
 - ▶- Duncan, W. et al, (1988), **Intrapreneurship and Reinvention of the Corporation**, *Business Horizons*, May & June, pp. 16-21.
 - ▶- Dunphy, S. et al, (1994), **The relationship of entrepreneurial and innovative success**, *Marketing Intelligence and Planning*, (12)(9).
 - ▶- Etzkovitz, H. & Leydesdorff, L. (eds), (1997), **Universities and the Global knowledge economy**, A Triple Helix of University- Industry- Government Relations, Pinter, London, Washington.
 - ▶- Feldman, D. C., (2004), **The devil is in the detail: converting good research into publishable articles**, *Journal of management*, (30)(1), pp. 1-6.
 - ▶- Hisrich, R. D. & Peters, M., (2002), **Entrepreneurship**, New York: Mc-Graw Hill.
 - ▶- Hurley, A., (1999), **Incorporating feminist theories into sociological theories of entrepreneurship**, *Woman in Management Review*, (14)(2).
 - ▶- Gander, G.P., (1987), University – industry research linkages and knowledge transfers: a general equilibrium approach. *Technological Forecasting and Social Change* 31, pp.117-130.
 - ▶- Hoffmann, et al, (2001), **Success factors of strategic alliances in small and medium**, size enterprise, long range planning, vol,(34), pp.357-381.
 - ▶- Lundvall, B. A. et al, (2002), **National systems of production; Innovation and competence building**.
 - ▶- Palmer, M., (1987), **The application of psychological testing to entrepreneurial potential**, In C. Baumbach & J. Mancuso(eds), *Entrepreneurship and venture management*, NJ: Prentice-Hall Inc.
 - ▶- Streeten, P., (1972), **The frontiers of development studies**, Macmillan.
 - ▶- Shortell, S. M. et al, (1996), **Remaking Health Care in America: Building Organized Delivery Systems**, San Francisco: Jossey-Bass.
 - ▶- Souder, W. E. & Nassar, S., (1990), **Managing R&D consortia for success**, *Research Technology Management*, (1), pp. 44-49.

-
- ▶- The Conference Board, (2000), **Beyond Knowledge Management**, Research Report 1262-00-RR, New York.
 - ▶- Thompson, Jone., (1999), **The Worlds of Entrepreneur:A new Perspective**, Jornal of the workplace learning: employee counseling today.
 - ▶- United Nations, (1954), **Office for Public Administration**, New York, U.N.
 - ▶- Websters Third New International Dictionary.,(1966), Chicago, Ran McNally & Sons.

Archive of SID